

# مخبر

قیمت اشتراك سالیانه ۳۰ دالر است بتوسط محفل مقدس روحانی طهران یا کسری با اداره ارسال دارند

این جریده در هر ماه بهائی یکبار منتشر میشود و در مسائل متعلقه باین امر اعظم که مرقآت برقیات مادی و معنوی نوع بشر و یکانه وسیله انتظام و الهیجان عالم است سخن میراند و مقالات مفیده که موافق این مقصد است قبول خواهد شد

شماره هجدهم ۷ ماه فیروزی سنه ۱۹۲۱ \* موافق ماه ملک سنه ۷۶ بهائی

## بشارت

در آنجا سیکر گرای روزنامه نجم باختر با نام پست که نام پست جا سجا پست روشنی بخش قلوب را بصبار باران دور و نزدیک برای دهستان شرق و غرب تشار و سید و بهترین راه انتشار بشارت و اخبار است بی نهایت تبت که در جنوب حاضر برادران و خواهران روحانی خود، بیک خبر پست اثر و بشارت سر پاشای و مشرت مطوف و شوم سازیم آن عبارت از تأسیس مبارک بهسم شرکت نوخسان با عنوان مستوره نایند و فردتان از فرق ایران است و برای بشارت و بخت آگاهی در اساس این شرکت تاریخ بشارت از بطلان مقصد بر وقت عرض دهستان گرای بر ما هم

شرکت نوخسان اولین شرکت فعال است که در تاریخ برج محل ۱۲۰۲ شمسی مطابق تاریخ ۱۹۱۸ در میان صاحبان ایران عرض اندام نمود و نقطه پیدایش آن در دهستان پسران و در شیرگان قرار میگیرد که برود مخصوص بایران است مقصد از تأسیس این شرکت این بود که در میان خود و سال جانی جا که در غالب لایحه منتهی در رسوم است بر یک نفر خود توانایی از تاریخ بومیه خویش از یکشای و عهد ایام با لایحه نایند کند و بوسیله شرکت که بقره بسیار است در آن دوره با اولیای فعالی بر کدام روزانه و با پشتگی و بیایه سببی مقصد بهسم ظل خود برای سرایانه بصدور شرکت تقدیر نماید و در نتیجه این سرایانه اجمع شده بصرف صنایع مختلفه که مستلزم منابع عمومی و در نفع کننده عوارضی خواهد باشد و این گونه حاصل شد شرکت نسو لیا جان بهسم و نسو چند مصارف خیره اختصاصی با این نظریه و نسو در آن مقصود سازگردان در دهستان مذکوره و در آن زمان که با وجود بشارت بسیار و شوق و شغف بر سر راه بود بر شرکت گنج گشت در خرمین بیکه در مسقط میبختند و بکجا ادبیای فعال از اول در شرکت خود روی نمودند چنانکه در مدت کمتر از یک سال بنام خود را بصدور نام سرایانه شرکت فعال گردید و بصیقل در روز پیر شرف بود آن افزون میگردد تا در سال گذشته (صفر ۱۳۴۰ مطابق نوامبر ۱۹۱۹) آقای برزاک محمد خان بسبب که نسو در پست توکل بنشیند و در حقیقت نسو لایحه و در وجه نسو تأسیس شرکت مذکور میباشند شرف افتخار شرف آستان بزرگ حضرت جد مصلح روح العالمین بعد از آن بصدور آمدند که در موضوع تأسیس شرکت شرکت بهسم نوخسان شرف عرض مبارک رسیده و در تأکید نسو واقع گردید و در ضمن چندین جلسه شرف حضور در آنجا دستوراتی چند در خصوص که نسو "تاریخ توکل بران قیمت بیستای شرکت است" و بیک نامت در بدی صاحبان بسیار سخن میسر داد و در آن زمان که شرکت صاحب سرایانه گردد و همچنین مدت ده سال با تیره سال تاریخ سرایانه خواهد شد

در یک سال عاید به شرکت بکنند و این در غیر مطابق نظامنامه رایج مکن آنرا که یا خیریه کرد. و بیان مطالب دیگر در  
 بیست و نهم شرکت "دانشگاه" در مشهد و در آنجا استنادهای بسیارند حضرت مبدع آن، نظیر در اجابت مکتوبات  
 سوزاننده "طلیخ" این شرکت متعلق من است. در نامه بن بیان شفاهی دو سکه طلا بعنوان مسدود برای  
 این شرکت بدست مبارک و کرم خود بذل عنایت میفرمایند. در جواب مسوول از مورد خرج مسایح عاید از سوزاننده  
 مانتی میفرمایند معرفت در نه افغان بسیار مورد خیریه رسانند. در خانه سنا جان در خط نامه بیست و نهم بر آید  
 مورد این شرکت از مساهله فضل و مهربانی خط مبارک در پشت و فری که باسم سرایه تهیه شده بود نازل میگردد که همین آن  
 برای استحضار خاطر برادران و خواهران روحانی زینت افزای این و نه میگردد.

پس از آنکه مقدّم فوق گشته آن برای اطلاع عموم عنایت ضرورت اراوم را داشت اینک با کمال اشتیاق در بیان  
 روحانی خود امرو صیدیم در اثر شرفیافتن آنکه که صرف فضل و عنایت همه در همه حال طبعان بخشند و این  
 ضعیفان است شرکت در زمانه و اموالی از توبه آمده و از آن وجه گرفته و کارکنان آنرا جهت مخصوص بطور  
 نقد آن نموده که شرکت توکلان اختصاص در کسب جهانی فزون را عمومی در مسر جان عالم فایده. و این  
 در ضمیر کسیر و حال انشاء در شرح پیشرفت و ماس آن همراه و هم آرزو شده و هر یک با فداکاری شایان تقدیری  
 این نامیس مبارک را استقبال نموده و همان که چندین پیش از تجسید نامیس آن میگردد و در مرکز و کسب بی در طبع  
 دیگری در ترمین برای شورش و نه آنکه مورد وجه شرکت تکلیف گردیده و شاید بهین نودها بدو در همان  
 در سایر نقاط ایران مراکز دیگری نامیس شود. دو سکه طسانی در هم که حضرت عبدالمجید روح عالمین حضرت  
 عنایت فرموده اند در وجه ترمین بعنوان تبرک ادا کرده و فرار داده شده و برای اینکه این دو سکه مبارک محفوظ ماند  
 بعینت خاصی تقویم شده تا هر یک از اجبا که اهل آنجا در خیریه دو سکه باشند شرکت فایده و تاکنون جمع کثیری  
 از اجبا در خیریه شرف افتاده اند. و چونکه از این باب جمع آوری شود نفی سبب حضرت عبدالمجید روح عالمین  
 و مسایح و نوابدی که از آن حاصل میگردد یک قسمت آن مثل سایر مسایح ای مشرکین موافق نظامنامه بر سرانه صدق  
 مکن دلبر که مانده سایر سهام در شرکت خواهد بود افزوده میشود و قسمت دیگر آن حسب الامر مبارک مستحقان  
 امرو خیریه خواهد شد.

این است مختصر تاریخ شرکت توکلان و بهترین شان که همه بنسب خاطر و شرف قلب و دستان تقدیم شده خواهد  
 در مساحت مقدس حق جل جلاله سالی دنیا زیندیم که از هم دوستان گنجی برده برده در تحکیم و ماس و تشبیه بیان این  
 شرکت بنزاید و افغان جدید انجمن شرکت توکلان که بید عنایت و فضل بی نهایت حضرت عبدالمجید روح عالمین  
 در پندار آبیاری گشته شجر با ثمره درخت برافزوده که بنان و خندان و ستمش در کفایت جهان شریف گردد  
 و سایر فلک شرق و غرب عالم شود. و پس بر اعلی آنده بسیند.

کویس : آینه دل علی و کرم مودی شرکت توکلان طهران ایران  
 سردا محمد خان بسبب شرکت توکلان فزون ایران

# حَلِّ مَسْئَلَةِ اِقْتِصَادِي

حضرت بجا، بسم الله میفرماید :  
حِرص ل باید گذاشت و بقاعهت  
قانع شد زیرا که لاز الحریص حروم  
بوده و قانع محبوب و مقبول



یکی از اساسات دین بقائی که در هیچ کدام از  
ادیان سابقه نیست - حل مسئله اقتصادیست  
حضرت عبداللہ، چند سال است که از اہمیت حل این  
مسئله در مجالس مہتممہ و مدارس عالیہ و کلاس مخزنہ حتی  
در محافل اشراکیتوں با حلی بیان شرح دادند و خطا  
های مبارکشان در این خصوص در سنہ ۱۹۱۲  
در جراند و صحف امریکا و اروپا منتشر گشته و از حضرت  
و نصیبی عالم بواسطہ حل شدن این مسئله بسجع دول  
و ملل و اغنیاء و فقرا و صاحبان کارخانہ ها و عمال کار  
کنان عالم رساندند کہ اللہ گزانی و بیداری و تقصا

و جنگ و پریشانی واقع خواہد شد !

حاصل دانش و معرفت چشم خود ببینند کہ  
آنچه از قلم و زبان صاحب بنام عظیم در قیام صادر  
گشت در این ایام تحقق یافت .

امروز فقط در امریکا تقریباً ۵۰ کروڑ از نفوس بی کار  
هستند یعنی بیست کروڑ از دستہا بند شدہ پس  
اگر در مشهورترین ممالک عالم و غنیرین قطعات لہر  
این قدر از نوع بشر حیران و بی سرو سامان مانند  
مشہدی نیست کہ در ممالک دیگر سختی و گزافی بوضع نماید

تعالیمیکہ از قلم و لسان حضرت بجا، اللہ و حضرت عبداللہ  
صادر شدہ کہ بچہ قسم از روی عدل و عقل و معرفت و انصاف  
این مسئله اقتصادی بلا در حل بشود بسیار و مفصل بجز

حضرت عبد اللہ بجا میفرماید :

مسئله اقتصادی جز بموجب این تعالیم حل تمام نیاید بلکه

۳  
منفع و محال و آن اینست کہ این مسئله اقتصادی را باید از  
دو حقان ابتدا نمود تا منتهی باصناف دیگر گردد زیرا عدد  
دو حقان بر جمیع اصناف اصناف مضاعف است لهذا سزاوار  
چنانست کہ از دو حقان ابتدا شود و دو حقان اول شامل است  
دو صفت اجتماعیہ . باغ . در صرقریہ فی باید کہ از  
عقلا و آن قریہ انجمن تشکیل شود کہ قریہ در زیر اوارہ آن  
انجمن باشد . همچنین یک مخزن عمومی تاسیس شود و کابھی  
تسبیب گردد و در وقت مخزن بمعرفت آن انجمن از حاصلات مخزن متا  
مین جهت آن مخزن گرفته شود این مخزن هفت واردات دارد

۱. واردات عشریہ .
  ۲. رسوم حیوانات .
  ۳. مال بی وارث .
  ۴. لقطہ بنی جنین کہ یافتہ شود و صاحب نداشته باشد .
  ۵. دقینہ اگر پیدا شود منتشر راجع باین مخزن است .
  ۶. معاون راجع باین مخزن است .
  ۷. تبرعات .
- خدا صہ هفت مصرف دارد .

۱. اول . مصارف مستدلہ عمری مانند مصارف مخزن و ادارہ عمری
۲. ثانی . اداری عشر حکومت . ثالث . ادای رسوم حیوانات
۳. بحکومت . رابع . ادارہ ایام . خامس . ادارہ العاشہ
۴. مجزہ . سادس . ادارہ مکتب . سابع . اکل معیشت ضروریہ
۵. فقرا . اول واردات عشرات و آن باید چنین گرفتہ
۶. شود مثلاً ملاحظہ بشود کہ یک نفر واردات ہومیشہ اش
۷. ۵۰۰ دلار است و مصارف ضروریہ اش ۵۰۰ دلار
۸. از او چیزی عشر گرفته نمیشود . شخصی دیگر مصارف اش
۹. ۵۰۰ دلار است ولی وارداتش ۱۰۰۰ دلار از او عشر
۱۰. گرفتہ میشود زیرا زیاد تر از احتیاجات ضروریہ دارد اگر
۱۱. عشر بدهد در معیشتش خللی وارد نگردد . دیگری مصارف
۱۲. او ۱۰۰۰ و وارداتش ۵۰۰۰ از او یک عشر و نصف
۱۳. گرفتہ میشود زیرا اضافه زیاد دارد . شخصی دیگر
۱۴. مصارف لازمہ اش ۱۰۰۰ دلار است ولی وارداتش ۱۰۰۰۰
۱۵. از او دو عشر گرفتہ میشود زیرا اضافه زیاد تر دارد

شخصی دیگر مصارف ضروریه اش ۱۰۰۰ یا ۵۰۰۰ و کلاً است ولی وارداتش ۱۰۰۰۰۰ از اوریج گرفتن میشود دیگری حاصلاتش ۲۰۰ دولا است ولی احتیاجات ضروریه که قوت کایموت باشد ۵۰۰ دولا و درسی و بجهت و تصویب نموده ولی کشتش برکتی یافته این شهر را باید از مخزن معاونت نمود تا احتیاج نماید و براحتی نگرانی نماید و در هر ده صدق این نام باشد بجهت اعاشه آنان از این مخزن باید مقداری تخصیص نمود. از برای مخزن ده باید مقداری تخصیص داد. از برای نفوس کار افتاده محتاج باید از این مخزن تخصیص نمود. از برای اداره معارف مقداری از این مخزن باید تخصیص نمود و از برای محتاجان اهل ده از این مخزن باید تخصیص نمود و اگر چیزی زیاد بماند آن را باید نقل بصندوق عمومی ملت بجهت مصارف عمومی کرد. چون چنین ترتیب داده شود هر فردی از افراد هیئت اجتماعی در نهایت راحت و سرور زندگی نماید. و مراتب نیز باقی ماند. در مراتب ابد اخلاقی واقع نگردد. زیرا مراتب از لوازم ضروریه هیئت اجتماعی است اجتماعی مانده از دولتی است در اردو ما مثال لازم جنرال لایم گورنور لایم کاپیتان لازم و غیره لایم ممکن نیست که کل صنف واحد باشد حفظ مراتب لایم است ولی هر فردی از افراد اردو باید در نهایت راحت و آسایش زندگی نماید. همچنین شهر را و ممالک قاضی لایم تاجر لایم قاضی لایم اصناف لایم و زراعت لایم است البته این مراتب باید حفظ شود و الا انتظام عمومی مختل گردد.

زارت حضرت عبدالجبار

[بقیه از شماره هفتم جلد یازدهم]

عجب و این است که در واپور جوزپی وردی نفوس بودند که شب و روز مرتب قمار بازی و شرابخواری و رقص حضرت کشیش مقدس و رفقا ش می دیدند و می شنیدند و حرفی نداشتند ولی ماکه در یک گوشه نشسته بودیم و از مسائل الهیه و اخلاق روحانیه و حقایق می گفتیم این فرد

پای ما شدند و سبب اذیت گشتند. یا عجب - اسکندریه که رسیدیم و کتر بشیر به واپور آمد و ما را بدکان آقا میرزا محمد حسین تاجر بزدی برد و آن شب در منزل ایشان مانیم شب بعد در خانه محمد سعید افندی ادهم رفتیم و از حسن اتفاق چند نفر از رجال و نشاء مسافین امریکائی که از مساحت افسر مراجعت کرده بودند در اسکندریه تشریف داشتند و آن شب به خانه محمد سعید افندی رفتند و میهمانی خوبی برده و مجلسی بسیار نورانی امریکائی و ایرانی و مصری و سوری و اسلام و نصاری و همه بهائی در آن مجلس بودند و خطابه های روحانی به سه زبان ترجمه میکردیم - بخت و پذیرای بهائیان مصری مرکز فرارشان نمیشود. از اسکندریه یک سر به بیروت رفتیم عباس اربابان و مستر فرجیتا ژاپونی را بقاصدنا در کوچه ملاقات کردیم تا موده و در مسکن کلیه را زیارت کردیم و آن شب در منزل جناب آقا عنایت الله مانیم صبح زود عازم شام شدیم و آنجا یک شب در هدایت توقف نمودیم و صبح به حین حرکت کردیم و چون شب در حینا وارد شدیم در منزل خدیویشان را دیدیم. پس ما از نیویورک امریکا تا حینا فقط بیست و هفت روز طول کشید و این راه را بجهت این وقت در نهایت سرعت طی کردیم زیرا از ایلم عرب تا بحال بواسطه گرانی زغال و قوت واپورات و کورت اعتصابهای عمال حجج واپورات به سرعت سابق حرکت نمیکنند.

صبح ۹ ماه و سپهر ۱۹۱۹ اول شرف شدن

هرکس در حضور مبارک حضرت عبدالجبار شرف شده میدانند که عنایات و الطاف بی پایان او حاشا ثم حاشا که نفسی بتواند وصف کند یا شرح دهد واقعا مثل آنکه دستها لهای سال پیشها بسته بود و فوراً باز شده بودی آفتاب نگاه میکردیم آن ملاقات مانند عاشق بهمشوق حاصل حجت عظیم علیل رسیدن روح بتن مرده و نزول باران رحمت الهی بگیاه های تشنه خشکیده [بقیه وارد]

و کتر از واپور